

چگونه



## سخنرانی کنیم؟

عبدالرحیم موکھی

برای اینکه بد سخنرانی کنیم و سخنوری ناموفق باشیم، به گونه‌ای که برای جلسات و مراسم سخنرانی از ما کمتر دعوت کنند و یا اصلاً دعوت نکنند، باید به ۲۰ نکته زیر خوب توجه و عمل کنیم. پس سخنور بد باش تا کامروا شوی!

۱. از برگزارکنندگان مراسم سخنرانی تان نپرسید که به چه مدت باید سخن بگویید و به هر مدتی که خودتان تشخیص می‌دهید، سخنرانی کنید. اصلاً به دیگران چه کار که بخواهند در امور فنی و حرفه‌ای شما دخالت کنند!
۲. مخاطب‌شناسی در هنر سخنوری اهمیت ندارد. پس طبق نیازهای مخاطبان خود سخنرانی نکنید و هر چه را قبلاً مطالعه و فیش‌برداری کرده‌اید، همانها را برای مخاطبان خویش بیان کنید. به طور مثال، اگر آنان به مطالب اخلاقی یا تربیتی نیاز دارند، شما از مسائل اقتصادی یا سیاسی برای آنان سخن بگویید. اصولاً در فن سخنرانی، قائل به ربط نباشید.

۳. به آراستگی ظاهر و چهره خویش توجه نکنید و آن را نادیده بگیرید؛ زیرا

در سخنرانی، فقط محتوای خوب سخن مهم است، نه آراستگی ظاهر سخنران. پس با موهای نامرتب و شانه نکرده، کفشهای واکس نزده، لباسهای اتو نکرده، دهان مسواک نزده، بدن و جامه نامطبوع و نانظیف به سخنرانی پردازید و به سخنانی همچون «خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.» اهمیت ندهید.

۴. برای سخنرانیهایتان مطالعه نکنید؛ مخصوصاً اگر در فن سخنوری دارای سابقه و تجربه بسیاری هستید؛ زیرا مطالعه پیش از سخنرانی، برای سخنرانهای مبتدی است، نه برای شما که راهها و روشهای نو و پیشرفته در گردآوری مطالب و ارائه هر چه جذابتر محتوای سخن را به مخاطبان خود کاملاً می‌دانید و از سخنان و مطالب جدید و به روز اطلاع دارید.

۵. فقط به فکر این باشید که مطالب خوب و مفیدی را جمع‌آوری کنید و در اختیار مخاطبان خود بگذارید. دیگر به فکر این نباشید که همین مطالب خوب و مفید را چگونه و با چه روشی بیان کنید که برای شنوندگانتان جذابتر و بر آنان تأثیرگذارتر باشد. سخن در پی آمده را هرگز سر لوحه این گونه فعالیت‌های خویش قرار ندهید: «فقط خوب بودن پیام، مهم نیست، بلکه خوب رساندن پیام نیز مهم است.»

۶. در سخنوری، فقط به مطالب و چیزهایی که باید بگویید، فکر کنید و به مطالب و چیزهایی که نباید بگویید، فکر نکنید؛ حتی اگر شبهه‌انگیز یا ضد عقل و یا زمانده از دین و مکتب باشند. پس کلاً این جمله را در امر سخنوری فراموش کنید: «سخنران موفق فقط کسی نیست که می‌داند چه چیزهایی را باید بگوید، بلکه کسی است که می‌داند چه چیزهایی را هم نباید بگوید.»

۷. در سخنرانی، از هر دری سخنی بگویید و از این شاخه به آن شاخه بپرید و بعد هم به شنوندگانتان بگویید که «الْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامُ» و حرف، حرف می‌آورد. اساساً به تنظیم و دسته بندی مطالب و مدیریت اطلاعات و در اختیار گرفتن معلومات

خویش اهمیت ندهید. کار نداشته باشید که از نظر روان‌شناسی و از جهت آموزشی، مطالبی که تنظیم و دسته‌بندی شده‌اند، زودتر و آسان‌تر آموخته می‌شوند و در ذهن و حافظه انسان جای می‌گیرند.

۸. هر چه آیه و حدیث و شعر و مانند آن مطالعه و حفظ کرده‌اید، همانها را پشت سر هم و حتی بدون هر گونه دسته‌بندی و تریبی برای شنوندگانتان بخوانید و هیچ گونه نکته و تحلیلی درباره آنها بیان نکنید. مهم فقط نقل و روایت و گزارش است، نه عقل و درایت و پژوهش.

۹. سخنان خود را با کلمات و جملاتی زیبا بیان نکنید؛ زیرا هر چه پیش آید، خوش آید. تازه، مگر چند نفر از شنوندگان دقت می‌کنند که کلمات و جملاتی که شما به کار می‌برید، زیباست و حتی از سخنان بسیاری سخنوران دیگر نیز زیباتر است و تأثیری غیر مستقیم و لطیف بر آنان می‌گذارد؟ مثلاً به جای اینکه جمله‌ای زیبا و بدین صورت بگویید: «نباید با دنیا بسازیم، بلکه باید دنیا را بسازیم». بگویید: «ما باید به مردم دنیا آموزش دهیم و آنان را تربیت کنیم و نباید تسلیم وضع موجود در دنیا شویم.»

۱۰. در سخنرانیهای خویش تنوع نداشته باشید و به صورت یکنواخت و طوماری و اتوبانی سخنرانی کنید؛ حتی اگر خستگی و خمیازه کشیدن و پلک روی هم گذاشتن را در مخاطباتان مشاهده کردید. چه کسی گفته است که سخنران، برای ایجاد تنوع در سخنرانیهای خود، باید گاه از شعر یا داستان یا امثال و حکم یا سخنان بزرگان دین و دانش یا خاطره و تجربه‌های خود و دیگران یا نکته‌های نغز و پر مغز یا آمار و اخبار یا اطلاعات عمومی یا مطالب علمی و یا لطیفه‌های پندآموز استفاده کند؟

۱۱. نوآوری در هنر سخنوری را کنار بگذارید و به همان حرفها و مطالب

تکراری و باسماه‌ای بسنده کنید؛ حتی اگر متاع سخن و بازار سخنرانی کساد و «کلیم کاشانی» در این باره نیز سروده باشد:

گر متاع سخن امروز کساد است کلیم  
تازه کن طرز که در چشم خریدار آید  
مثلاً در جایی که می‌خواهید بگویید انسانها برای نشان دادن تواناییها و  
ویژگیهای خویش نباید از خودشان تعریف کنند؛ بلکه باید خود تواناییها و  
ویژگیهایشان معرّف آنها باشد، دوباره و چند باره به این سخن سعدی استشهاد  
کنید: «مُشک آن است که خود ببوید، نه آنکه عطار بگوید.» و از آن دست بر ندارید و  
مثلاً به سخن دیگر سعدی در همین زمینه که کمتر به آن استشهاد می‌شود، اشاره  
نکنید:

اگر هست مرد از هنر بهره‌ور  
هنر، خود بگوید نه صاحب هنر  
و یا از سخن سعدی گونه زنده یاد «سلمان هراتی» نیز یادی نکنید: «بهار آن  
است که خود ببوید، نه آنکه تقویم بگوید.»

۱۲. در سخنرانیهای خویش، فقط کلی گویی کنید و از پرداختن به جزئیات و  
مثالها و مصداقهای عینی و کاربردی آن در جامعه خودداری ورزید؛ زیرا ذکر مثال  
و مصداق و جزئیات، سخنرانی شما را نزد بعضی از بزرگان و اهل فضل و دانش،  
غیر علمی و کم ارزش نشان می‌دهد. به طور مثال، بگویید که دروغ، کاری ناپسند و  
حتی از نظر دینی حرام است؛ ولی به مصداقها و نمونه‌های آن در اجتماع، مانند  
خالی‌بندی و یا درخواست دو برابر و غیر واقعی نیازهای اداره از رئیس اداره به  
جهت عادت همیشگی رئیس در موافقت با ۵۰٪ نیازها، اشاره نکنید و درباره اینکه  
دو مصداق مذکور، آیا حرام هستند یا نه؟ سخنی نگویند.

۱۳. هر سخنی و به ویژه سخنان مشهور را از هر کسی و به خصوص آدمهای  
مشهور که شنیدید، بدون اینکه به منابع معتبر و دست اول مراجعه و درباره درستی

یا نادرستی آنها تحقیق کنید، برای دیگران و مخاطبان خویش نقل کنید و به جمله «رُبَّ مَشْهُورٍ لَّا أَضَلَّ لَهُ؛ بس سخنان مشهوری که اصل و پایه‌ای ندارند.» گوش نکنید. مثلاً به شنوندگان خود بگویید که حضرت امام خمینی علیه السلام فرموده‌اند: «انقلاب ما انفجار نور بود.» و دیگر درباره انتساب این سخن به ایشان مطالعه و تحقیق نکنید که سخن مذکور از ایشان نیست و از «یاسر عرفات» و با عبارتی دیگر است.<sup>۱</sup>

۱۴. اگر سؤال و شبهه‌ای را در زمینه معارف دینی مطرح کردید، پاسخ آن را ندهید و به بعد موکول کنید و به آثار سوء و منفی این کار توجه نداشته باشید که حتی ممکن است بی پاسخ گذاشتن آن سؤال و شبهه، کسی یا کسانی را از دین بیرون کند و به بیراهه و کژراهه بکشاند و مسئولیت شرعی آن نیز به عهده شما باشد. پس به این سخن اصلاً توجه نکنید: «فقط طرح شبهه مهم نیست، بلکه رفع شبهه نیز مهم و حتی از آن مهم‌تر است.»

۱۵. برای اثبات سخنان خویش و حتی حقانیت دین اسلام، به خوابهایی که خودتان دیده‌اید و یا دیگران دیده‌اند، استناد کنید. اساساً کار نداشته باشید که آیا خواب حُجَّت دارد یا نه؟ اسلام دین خواب است یا دین بیداری؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام برای اثبات سخنان خویش و حقانیت دین اسلام به خوابهای خود و دیگران استناد می‌کردند یا نه؟ و در تاریخ اسلام تاکنون چند مورد از استناد به خواب را در سیره پیشوایان و بزرگان دین دیده‌ایم؟

۱۶. درباره چگونگی شروع سخنرانی، هیچ ننیدیشید و هیچ مشورتی با دیگران نکنید. چه کسی گفته است که شروع سخنرانی از ادامه و پایان آن مهم‌تر است و باعث می‌شود که شنونده را بر جایش میخکوب کند و به ادامه گوش دادن به سخنان شما تشویق نماید؟ مثلاً چه لزومی دارد پیش از حضور در مجلس

سخنرانی و سوگواری برای عزیز از دست رفته‌ای، فکر کنید که آیا سخنرانی خویش را با سخنی از پیشوایان دینی یا بزرگان علمی یا قصه و خاطره‌ای از آن عزیز و یا سروده‌ای متناسب با او آغاز نمایید و کدام یک از این آغازها با آن عزیز و با شرکت کنندگان در مجلس سوگ او مناسب‌تر و جالب‌تر و جاذب‌تر است؟ حتی اگر شروع با شعر و سروده را مناسب‌تر می‌دانید، نیندیشید که سخنرانی خود را در جلسه مذکور با کدام یک از این سروده‌ها آغاز کنید:

دیده از دیدار خوبان برگرفتن مشکل است هر که ما را این نصیحت می‌کند بی حاصل است  
... گر به صد منزل فراق افتد میان ما و دوست همچنانش در میان جان شیرین منزل است<sup>۱</sup>

\* \* \*

شریتی از لب لعلش نجشیدیم و برفت روی مَه بیکر او سیر ندیدیم و برفت  
گویی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود بار بر بست و به گردش نرسیدیم و برفت<sup>۲</sup>

۱۷. از کلمات قلنبه و سلنبه و حرفهای با پرستیژ استفاده کنید؛ حتی اگر مخاطباتان معنای آن کلمات و مفهوم آن حرفها را متوجه نشوند. مگر نگفته‌اند: «مردم، سخنوری را با سواد و با کلاس می‌دانند که حداقل، یک سوم حرفهای او را نفهمند؟» مثلاً به آنان نگویید: «مطالب سخنرانی این جانب با استفاده از کتابها و منابع معتبری شکل گرفته است که به آنها اشاره خواهم کرد.» بلکه این‌گونه بگویید: «در فرایند هستی‌پذیری مطالب سخنرانی‌ام، رفرنسهای معتبری را از رؤیت خویش گذرانده‌ام که به آنها اشارت خواهم نمود.»

۱۸. به تلفظ درست کلمات و به ویژه نامهای خاص دقت نکنید؛ زیرا این‌گونه امور از مسائل بسیار جزئی و سطحی است که کسی به آنها توجه نمی‌کند و اهمیت

۱. سعدی.

۲. حافظ.

نمی‌دهد. در فن سخنوری فقط باید به مسائل کلی و کلان توجه کرد و اهمیت داد. حالا اگر سخنوری به جای اینکه درست تلفظ کند و بگوید: «گمان، نکات، حاتم طائی، نیکلسون، کارنگی، شهاب الأخبار، مُنتَهی الآمال»، به غلط بگوید: «گمان، نکات، حاتم طائی، نیکلسون، کارنگی، شهاب الأخبار، مُنتَهی الآمال»، مهم نیست و کسی به این غلطهای جزئی گیر نمی‌دهد.

۱۹. اگر مطلبی را به صورت اشتباه بیان کردید، به اشتباه خود اقرار و اعتراف نکنید و در صدد اصلاح آن برنیایید؛ زیرا نتیجه اقرار و اعتراف به اشتباهات خویش، همان سبک کردن و تحقیر نمودن و بی سواد نشان دادن خود و از دست دادن اعتماد شنوندگان به خویش است. به طور مثال، چنانچه گفتید: «بادمجان بم آفت ندارد.» و بعداً متوجه شدید درست این مثل آن است که گفته شود: «بادمجان بد آفت ندارد»، چه ضرورتی دارد که به این اشتباه خود اعتراف کنید و آبروی علمی خویش را نزد مخاطبانتان ببرید؟!

۲۰. در پایان سخنرانی خویش به جمع‌بندی سخنان خود و نتیجه‌گیری از آنها نپردازید؛ زیرا چه کسی گفته است نتیجه سخن و آخرین پیام سخنرانی، پایدارترین و ماندگارترین مطلبی است که در ذهن و حافظه شنوندگان جای می‌گیرد؟ این سخن را ترجمه نی پنهانوری گفته‌اند در مقام دیگری